

گزارش جلسه عمومی سالانه کارزار ایران تریبونال

کارزار ایران تریبونال، سومین جلسه علنی سالانه خود را روز یکشنبه نهم دسامبر ۲۰۱۲ به مدت سه ساعت و نیم از هفت تا ده و نیم بعد از ظهر در شبکه اجتماعی مجازی پالتاک با حضور حدود صد و شصت پنج کاربر و جمعیتی نزدیک به دویست نفر برگزار کرد.

کارزار، هر سال در سالگرد علنی کردن فعالیت هایش، گزارش کار یک سال خود را به مردم ارائه می دهد. جلسه امسال، با گزارش فعالیت های کارزار در سال ۲۰۱۲ آغاز شد و با سخنرانی شکوفه سخی و ملکه مصطفی سلطانی ادامه یافت و با پرسش و پاسخ پایان یافت.

بهروز پرتو، عضو هیئت هماهنگی کارزار ایران تریبونال، مسؤل ارائه گزارش فعالیت های یک ساله کارزار بود. وی، گزارش را با توضیح مختصری در باره روند تشکیل کارزار و پیشرفت های گام به گام آن تا مقطع مرحله اول دادگاه آغاز کرد. او گفت، کارزار فعالیت های خود را برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، از سپتامبر ۲۰۰۷ آغاز کرد. بعد از یک مجموعه فعالیت و کار تحقیقی دو ساله، کارزار فعالیت های خود را با برگزاری نخستین جلسه عمومی سالانه اش در ده دسامبر ۲۰۰۹ علنی کرد و به مردم ایران و به ویژه خانواده های جان سپردگان دهه شصت، نوید داد که گروهی از خانواده های سپردگان، بخشی از زندانیان سیاسی جان به در برده از کشتارهای دهه ۱۳۶۰، فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری خواه حقوق زنان، و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق، کودکان و دیگر زمینه های مبارزاتی، بر آن هستند، رژیم جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت در یک دادگاه مردمی بین المللی به محاکمه بکشند.

وی گفت، کارزار در ادامه فعالیت هایش، موفق شد مجموعه از حقوقدانان برجسته و مستقل جهانی را به همکاری دعوت کند. در یازده فوریه ۲۰۱۰، کارزار بعد از سه سال تلاش، نخستین کنفرانس حقوقی برای تدوین برنامه عمل دادگاه را برگزار کرد. در ادامه فعالیت هایش، کارزار موفق شد در اول اکتبر ۲۰۱۰، یک کنفرانس بین المللی با حضور حقوقدانانی که به کارزار پیوسته بودند، برگزار کند و برنامه عمل دادگاه و روند حقوقی کار دادگاه را به بحث و گفتگو بگذارد. کنفرانس به پیشنهاد کارزار، پرفسور جان کوپر را مسؤل تشکیل کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال کرد.

مباحث حقوقی، حول تدوین نظامنامه و برنامه عمل و روند کار دادگاه، از طریق جلسات حضوری، کنفرانس های تلفنی و نامه نگاری از طریق ایمیل میان حقوقدانان و مسئولان گروه کار بین الملل کارزار ادامه یافت تا اینکه، به فراخوان جان کوپر، جلسه ای در پنجم فوریه ۲۰۱۱ در لندن با حضور هشت عضو حقوقدان کمیته راهبردی که از پیش برای عضویت در آن اعلام آمادگی کرده بودند و سه نفر از اعضای کمیته اجرایی، برای تشکیل کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال و مبانی حقوقی کار دادگاه، برگزار شد.

کمیته راهبردی طی جلساتی که به طور متوسط ماهی یک بار در لندن و یا از طریق کنفرانس تلفنی و اسکایپ در تمام طول سال ۲۰۱۱ برگزار کرد، موفق شد کلیه مبانی و مراحل دو گانه دادگاه را تدوین نماید. کمیته راهبردی با همکاری گروه کار بین الملل کارزار، موفق شد کمیسیون حقیقت یاب را اوایل سال ۲۰۱۲ با دعوت از شش حقوقدان و کارشناس حقوقی و نویسنده مترقی از شش کشور، تشکیل دهد. برنامه ریزی برای برگزاری مرحله اول دادگاه، از جمله تهیه اسناد و مدارک جنایات رژیم در زندان ها در دهه شصت، دعوت از خانواده ها و جان بدر بردگان از کشتارهای دهه شصت برای شهادت و ثبت اظهارنامه ها و ترجمه آنها، سازماندهی کارهای دادگاه، بلافاصله بعد از تشکیل کمیسیون حقیقت یاب آغاز شد. کمیسیون حقیقت یاب به فاصله پنج روز از هجده تا بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۲ در لندن برگزار شد. بلافاصله بعد از برگزاری کمیسیون، کمیته راهبردی و گروه کار بین الملل کارزار، سازماندهی دادگاه را آغاز کردند. یک تیم متشکل از شش قاضی برجسته جهانی از پنج کشور، یک تیم دادستانی متشکل از هفت حقوقدانان ایرانی و غیرایرانی، با مسئولیت پروفیسور پیام اخوان و یک تیم حقوقی متشکل از سه حقوقدان زن جوان ایرانی به سرپرستی حمید صبی تشکیل شد. دادگاه، طی سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتبر در سالن اکادمیک حقوق ساختمان صلح دادگاه لاهه برگزار شد و روز آخر بعد از آنکه دادگاه، جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت

محکوم کرد، اشک شوق در چشمان جمعیتی که در سالن حضور داشت جاری شد، با هم سرود سراوود زمستان را خواندند، و در حالی که عکس های جان سپردگان را در دست داشتند، دو انگشت خود را به نشان پیروزی بالا گرفتند.

بعد از گزارش بهروز پرتو، شکوفه سخی، از شاهدان دادگاه ایران تریبونال در لاهه، به سخنرانی پرداخت. وی سخنرانی خود را تحت عنوان "تجربه کارزار ایران تریبونال: توانایی ها و چشم اندازهای جنبش عدالت خواهی" آغاز کرد.

صحبتهای شکوفه سه بخش داشت. ۱- بررسی ایران تریبونال به عنوان یک پدیده. ۲- بررسی یکی از دستاوردهای دادگاه ایران تریبونال. ۳- بررسی چشم اندازهای جنبش دادخواهی.

۱- ایران تریبونال به عنوان یک نهاد محصول کار فکری و عملی افراد خاصی در طی چند سال اخیر است. اما به عنوان یک پدیده، کارزار ایران تریبونال محصول یک پروسه تاریخی است که از یک طرف شامل کار فعالین فکری، سیاسی، اجتماعی و ادبی در حیطه زندان، مقاومت و کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت در تبعید است و از طرف دیگر، محصول مقاومت و مبارزه جاری در جامعه ایران است که نمونه آن را می توان در اصرار پیگیرانه مادران و فرزندان خاوران برعلیه فراموشی و در جهت دادخواهی دید. همچنین در پی حضور اعتراضی وسیع مردم در خیابان ها در سال هشتاد و هشت و موج جدید زندان، شکنجه و اعدام، بحث به دادگاه بین المللی کشیدن جمهوری اسلامی، امکان و عدم امکان آن و چگونگی پروسه دادخواهی بیش از پیش وارد گفتمان فعالین سیاسی شد که به طور مثال در شهرها و کشورهای مختلف سمینارها و سالگردها حول کشتار ۶۷ به این موضوع پرداختند. بر چنین بستر تاریخی و تغذیه شده از انرژی جنبش های اجتماعی- سیاسی در ایران، فعالیت های جامعه سیاسی اجتماعی در تبعید و حس نیاز عاجل در آشکار کردن و محکوم کردن فاکتور خشونت از زمان پایه گذاری رژیم جمهوری اسلامی تا به لحظه حاضر است که پدیده ایران تریبونال شکل می گیرد. بدین ترتیب ویژگی خاص ایران تریبونال در این است که فرآورده تاریخی فعالیت ها و دغدغه های خانواده های اعدامیان، زندانیان سیاسی سابق و فعالین و متفکران سیاسی و اجتماعی است و نه فرآورده تعویض قدرت سیاسی در ایران و نه حاصل خواست قدرت های بین المللی.

۲- در بخش دوم، تاکید بر موفقیت ایران تریبونال در گردهم آوردن مجموعه ای از انسان ها است که اگرچه رژیم جمهوری اسلامی حقوق آنان را پایمال کرده بود، اما تا پیش از تریبونال زیر یک سقف جمع نشده بودند. ایران تریبونال فضایی ایجاد کرد که در آن قابلیت در کنار هم نشستن و به حرف و شکایت یگدیگر گوش کردن به مرحله عمل در آمد. اهمیت این اتفاق در این است که اگر تاکنون تاکید بر هویت فرد زندانی، شکنجه و اعدام شده نقطه محوری اعتراض برعلیه رژیم جمهوری اسلامی بود، در آن سالن نقطه محوری اعتراض بر روی عملکرد رژیم، یعنی اعمال شکنجه و اعدام بود. در نتیجه محکوم بودن جمهوری اسلامی در ارتکاب خشونت سیستماتیک، شکنجه و اعدام برعلیه شهروندان ایرانی جدا از تعلقات سیاسی، عقیدتی، ملیتی، مذهبی و یا میزان مقاومت و همکاری آنان است. این هویت فرد سرکوب شده نیست که عامل تعیین کننده در فجیع بودن و محکوم بودن جمهوری اسلامی است بلکه خود عمل سرکوب، شکنجه و اعدام است که فجیع و محکوم است.

۳- براساس چنین دستاورد مهمی، در اینجا تنها به دو چشم انداز در جنبش دادخواهی پرداختم: یکی، وسعت بخشیدن به اعتراض به اعدام و شکنجه از حیطه سیاسی به حیطه عمومی و دیگری تعمیق و تفکر در مفهوم عدالت است. با گسترش اعتراض به شکنجه و اعدام به نحوی که اعتراض به خشونت علیه زندانیان عادی-جزائی و حمایت از خانواده های اعدامیان را در برگیرد، جنبش عدالت خواهی فارغ از طبقه بندی میان زندانیان وارد سطح عمومی جامعه خواهد شد.

چشم انداز دوم، ایجاد فضا برای بحث و تعمق در خود مفهوم عدالت است. یکی از اولیه ترین قدم ها در جهت عدالت، ایجاد فضا برای خانواده های زندانیان و اعدامیان است که حضور و صدای خود را در صحنه عمومی ابراز کنند. بدین ترتیب درد و رنج این بخش از جامعه از حوزه شخصی خارج شده و هویت اجتماعی-سیاسی خود را باز می یابد. اما سوال در اینجا این است که آیا با به محاکمه و پاسخگونی کشیدن سران جمهوری اسلامی عدالت در حق اعدام شدگان و شکنجه شدگان جاری خواهد شد؟ بحث من در این است که نسبت به درد، زجر و مرگی که در گذشته اتفاق افتاده نمی توان عدالت را جاری کرد. چرا آنچه که در گذشته رخ داده است را نمی توان تقاص کرد، نمی توان جبران

کرد، نمی توان آنچه که رخ داده را نارخ داد کرد. آن کس که کشته شد را نمی شود زنده کرد. زخمی که بر روح و هویت انسانی حک شد را نمی شود پاک کرد. نه فراموشی، نه بخشش و نه محاکمه، هیچ کدام عدالتی در حق آنچه که در گذشته اتفاق افتاده نخواهد کرد. بر این اساس، مفهوم عدالت مانند دروازه ای میان گذشته و آینده است. عدالت، پاسخ نسل امروز به درد دیروز و برای نسل فردا است. اگر عدالت را اینگونه ببینیم، جنبش عدالت خواهی از حد به رسمیت شناختن دردها و زخم های دیروز و فراهم کردن پاسخ به بازماندگان اعدایان و زندانیان سابق خواهد گذشت. اگر عدالت را این گونه ببینیم، جنبش عدالت خواهی محدود به محدوده قربانیان و قربانی گران نمی شود، بلکه تمام جامعه امروز و فردا را در بر می گیرد و مبدل به یک جنبش اجتماعی-سیاسی می گردد.

بعد از سخنرانی شکوفه سخی، ملکه مصطفی سلطانی، یکی دیگر از شاهدان دادگاه ایران تریبونال در لاهه به سخنرانی پرداخت. وی با نامه ای که از سوی خانواده اش برای کارزار بعد از دادگاه ارسال کرده بود، سخنان خود را آغاز کرد. در بخشی از این نامه آمده است: " ایران تریبونال حقیقتاً توانست افکار قشر وسیعی از روشنفکران جهان را در دفاع از جانب‌اختگان، زندانیان سیاسی و کشتار مستمرشان بسیج و جنایات بدون مرز و لجام گسیخته جمهوری اسلامی را در سطح گسترده ای افشاء نماید. دادگاه ایران تریبونال، در حقیقت بعد جهانی داشت و بیانگر دستاورد عظیمی در عرصه رعایت حرمت انسان های آزاده و صلح طلب بود. انسان هائی که محروم از دفاع، بدون وکیل، بدون محاکمه، تیرباران و یا بدار آویخته شدند و حتی جای دفن پیکر بسیاری از آنها نامعلوم و چه بسا در قبرستان های گمنام آرامش ابدی یافته‌اند. دادگاه ایران تریبونال، در ضمن عدالت خواهی، بدعتی در نوآوری نشان داد و افرادی از خانواده، بستگان و زندانیان سیاسی را بعنوان شاهد فرا خواند و تبلوری از تفاهم را برای گرایش های متنوع فکری، سیاسی و مذهبی را به ارمغان آورد. ایران تریبونال، نشان داد تفاهم در سطح بالائی امکان پذیر است و می توان به افکار و عقاید همه شهروندان احترام گذاشت.

مراتب تشکرات و امتنان ما را بخاطر انساندوستی و اینهمه از خود گذشتگی، اختصاص دادن انرژی غیره قابل توصیف برای برگزاری جلسات، حوصله و شکیبائی فراوان توسط تک تک افرادی که این دادگاه را رهبری، سازماندهی و تشکیل داده بودند، بپذیرید. امیدواریم کماکان این پروسه را در سطوح مختلف ادامه داده و بدون شک در آینده ای نه چندان دور، انرژی و صدای خفه شده هزاران نفر از بستگان و خانواده زندانیان سیاسی که نتوانسته‌اند در جلسات دادگاه شرکت جویند، پشتیبان ایران تریبونال بوده و اهرم فشاری بر سیستم ولایت فقیه خواهد بود.

در بخش دیگری از این نامه آمده است: محکومیت جمهوری اسلامی ایران در این دادگاه، خود نقطه عطفی در قرن بیست و یک بوده و بدون تردید افکار آزادیخواهان جهان را پشت سر دارد. یقیناً سکوت را شکسته و نیروی عظیمی از جسارت خانواده زندانیان سیاسی و جانب‌اختگان را آزاد خواهد ساخت، که نهایتاً در اتوریتتهای حقوقی و معنوی ایران تریبونال منعکس خواهد شد.

ملکه، در ادامه سخنان خود به اعدام چهار تن از برادرانش به دست جانین جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت، امین یک روز بعد از فرمان جهاد خمینی به کردستان، در حال خروج از شهر، به همراه برادر دیگر حسین مصطفی سلطانی دستگیر شد و همراه هفت مبارز دیگر در روز ۳ شهریور ۱۳۵۸ در پادگان مریوان بدون وکیل و دادگاهی و تنها ۵ روز بعد از دستگیری شان تیرباران شدند. وی در ادامه گفت، جمهوری اسلامی دو برادر دیگر، ماجد و امجد را در هشتم تیر ۱۳۶۰ همراه ۹ نفر دیگر در تبریز اعدام کرد.

ملکه در ادامه، از اقدام شجاعانه و غم انگیز مادرش یاد کرد و گفت، مادرم بعد از هشت روز پیکر ماجد و امجد را از قبر بیرون آورد و به زاده‌گاه مان در روستای آلمانه برگرداند و در کنار سه برادر دیگرمان که به دست فاشیست های جمهوری اسلام شهید شده بودند، به خاک سپرد.

ملکه، از شجاعت مادرش که همیشه یار و رازدار مبارزات فرزندان شان در دو رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی بود، گفت، برادرم کاک فواد، از مدافعان مبارزات اجتماعی بود و از رهبران و تشکیل دهندگان کومه له بود. او، تأثیر زیادی بر خانواده و مادر و پدرم و مردم کردستان داشت.

وی در ادامه گفت، شهادت من علیه جمهوری اسلامی در دادگاه ایران تریبونال انعکاس خیلی وسیعی در کردستان داشت و تاثیر زیادی روی همه و از جمله خانواده جانباخته‌گان داشت. بعد از برگشت از لاهه، تماس های زیادی با من گرفته شد. همه از تشکیل چنین دادگاهی خوشحال بودند. از میان تماس هائی که با من از کردستان گرفته شد، به چند نمونه زیر اشاره می کنم.

- تاثیر دادگاه روی مادر یکی از رفقای جانباخته که با برادران من اعدام شده این چنین بود: مادر تعریف می کند پای تلویزیون نشسته بود و پخش مستقیم شهادت من در دادگاه را از طریق آسوسات تماشا کرده بود. بعد از پایان دادگاه، بر سر مزار عزیز جانباخته‌اش می رود و برایش تعریف می کند که حق شما گم نشده و حالا در لاهه دادگاهی تشکیل شده و دارند جمهوری اسلامی را به محاکمه می کشند و ملکه در مورد اعدام ظالمانه تو به دست جنایتکاران جمهوری اسلامی حرف زد.

- خواهر یکی دیگر از رفقای جانباخته که برادر ایشان نیز با دو تا از برادران من اعدام شد، در یک تماس تلفنی، در حالی که اشک می ریخت، گفت: ملکه جان بار سنگینی که روی دوش تو بود در این دادگاه که بیش از توان و قدرت یک نفر بود، بغیر از سنگینی مسولیت خود، دیگر عزیزان جانباخته را از یاد نبردی و از همه آنها حرف زدی و عکس شان را نشان دادی و در قبال آنها احساس مسولیت کردی.

- همسر یکی دیگر از جانباخته‌گان، که شوهر ایشان نیز با برادران من اعدام شد، زنگ زد و با گریه، خوشحالی خود را از تشکیل چنین دادگاهی ابراز می داشت و تشکر می کرد که از همسر ایشان هم نام برده ام و در مورد وی حرف زده‌ام.

بعد از سخنرانی ملکه و یک استراحت کوتاه که با پخش یک سرود رزمی همراه بود، نوبت به پرسش و پاسخ رسید.

یکی از سنوالاتی که در جلسه مطرح شد، این بود که، ایران تریبونال برای آینده چه برنامه ای دارد؟ بابک عماد، در پاسخ به این پرسش گفت، ایران تریبونال دستاورد بزرگ و تاریخی داشته است و قاعدتا باید آن را حفظ کرد و در دسترس سایر ستمدیدگان در جهان و نسل های آینده قرار داد. دادگاه ایران تریبونال به عنوان نخستین دادگاه مردمی در تاریخ بشریت مطرح است و باید تجارب خود را همانگونه که دادگاه راسل کرد، در دسترس دیگران قرار دهد. ایران تریبونال در اشکال دیگری در چارچوب کاری که آغاز کرد، فعالیت هایش را ادامه خواهد داد، اما چگونه و به چه صورت و در چه اشکالی، مساله ای است که باید در مجمع عمومی کارزار به بحث و تبادل نظر گذاشته شود و در باره آن تصمیم گیری شود. به محض اتخاذ تصمیم در این رابطه، نتیجه کار را به مردم گزارش خواهیم کرد.

یکی دیگر از سنوالات این بود که، حکم مقدماتی روی سایت ایران تریبونال منتشر شد و بعد از روی سایت برداشته شد و توضیحی هم در رابطه با آن روی سایت نوشته شد. آیا، این کار به این خاطر انجام گرفت چون ایران تریبونال با این حکم یا بخش هائی از آن موافق نبوده است؟ آیا، فکر می کنید حکم مقدماتی به هنگام تنظیم حکم نهائی، تغییر خواهد کرد؟

شکوفه سخی و بابک عماد به این سنوال به طور جداگانه پاسخ دادند.

شکوفه در پاسخ به این سنوال گفت، اولاً، در بند اول حکم رای به محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت آن داده شده است. دوماً، حتی اگر رای و رهنمودهای مقدماتی و نهائی دادگاه خلاف خواست شاکیان و وکلای آنان باشد، به هیچ وجه نماینگر ماهیت ایران تریبونال و تعیین کننده سیر حرکت آن در آینده نخواهد بود. مانند هر پروسه دادگاه های دیگر در نهایت اگر رای آن را مطابق با خواست خود و برحق ندیدیم وارد پروسه اعتراض می شویم و کیس خود را صیقل داده و به کار خود ادامه می دهیم.

بابک عماد در پاسخ به این سنوال گفت، همان طور که در سایت هم اشاره شده است، حکم، مقدماتی است و مانند حکم مقدماتی هر دادگاهی، به هنگام تدوین و تنظیم حکم نهائی تغییراتی در آن صورت خواهد گرفت. حکم مقدماتی تا پیش از آنکه مراحل نهائی را طی کند به صورت رسمی منتشر نمی شود. در واقع حکم به اشتباه در سایت منتشر شده بود و باید برداشته می شد. وی در ادامه گفت، شاید لازم باشد برای اطلاع شما در این اینجا توضیحی در رابطه با

روند کار سایت بدهم و آن این است که مسنولان سایت نباید سندی را بدون درخواست ارگانی که سند را صادر کرده روی سایت قرار دهند. برداشتن این سند از سایت به دلیل مخالفت با محتوای آن نبوده است زیرا هنوز محتوای آن در مجمع عمومی کارزار مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و موضع خاصی در باره آن اتخاذ نشده است. این حکم مانند هر حکم مقدماتی دیگری هنوز کامل نیست. حکم مقدماتی، حدود پنج صفحه است، اما ممکن است به هنگام تنظیم نهانی به شش و هشت صفحه یا کمتر و بیشتر تغییر یابد. حکم نهانی اوایل سال جاری یا اوایل سال آینده صادر خواهد شد. چنانچه کارزار موضع خاصی در رابطه با آن داشته باشد، موضعش را علنی بیان خواهد کرد.

یکی دیگر از سنوالات این بود که نتایج کار ایران تریبونال چه بوده است و آیا با احمد شهید و نهادهای بین المللی همچون شورای حقوق بشر سازمان ملل هماهنگی های انجام گرفته است؟

بابک عماد در پاسخ به بخش اول این سنوال گفت، سنوال کلی طرح شده است اما سعی می کنم به روند نتایجی که ایران تریبونال قدم به قدم گرفته است اشاره کنم. او گفت، تشکیل کارزار ایران تریبونال، تهیه اسناد و نظامنامه حقوقی، برگزاری دو کنفرانس حقوقی بین المللی، تهیه طرح دادگاه، سازماندهی کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال، تشکیل کمیسیون حقیقت یاب، تشکیل تیم های حقوقی، دادستانی و قضات، تشکیل دادگاه و رای دادگاه به مجرمیت جمهوری اسلامی و جنایت علیه بشریت از جمله نتایج کار ایران تریبونال هستند. به این مجموعه باید به برد رسانه ای این حرکت در جهان اشاره کرد. بیش از یک میلیارد نفر در جهان و نزدیک به چهل میلیون نفر در ایران در جریان این دادگاه و کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت قرار گرفتند. این دستاورد عظیم برای یک حرکت مردمی است.

بابک عماد در پاسخ به بخش دوم این سنوال گفت، نمایندگان ایران تریبونال دو بار با احمد شهید دیدار کردند. یک بار در لندن پیش از برگزاری کمیسیون حقیقت یاب و یک بار بعد از دادگاه در استکهلم. هر دو بار اسناد جنایات رژیم در دهه شصت و هم چنین گزارش کمیسیون حقیقت یاب به او داده شد و در رابطه با دادگاه و دستاوردهای آن با او گفتگو شد. نمایندگان کارزار از او خواستند به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت توجه کند و در باره آن گزارش تهیه کند. ایران تریبونال آماده است اسناد خود را برای این کار در اختیار او و همکارانش قرار دهد. احمد شهید، عنوان کرده بود، او ماموریت دارد در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران در سال های اخیر گزارش تهیه کند و دهه شصت در حوزه ماموریت او نیست. او اضافه کرد، شورای حقوق بشر سازمان ملل هیئتی را مامور کرده به تمامی موارد نقض حقوق بشر در تمام سال های حکومت اسلامی رسیدگی کند. او گفت بهتر است ایران تریبونال با این گروه همکاری کند. او سعی خواهد کرد این ارتباط را برقرار کند و این گروه را در جریان کار دادگاه و نتایج آن قرار دهد.

در مورد هماهنگی با نهادهای بین المللی نظیر شورای حقوق بشر سازمان ملل، بابک گفت، کارزار در این رابطه تصمیم نگرفته و اقدامی نکرده است. هر گونه هماهنگی با این نهادها باید با تصمیم مجمع عمومی کارزار صورت گیرد.

بابک عماد در پاسخ به این سنوال "آیا شهدای توده ای و اکثریت با دیگر جان سپرده گان فرقی دارند؟" گفت، کارزار ایران تریبونال هیچ تفاوتی میان اعدام شدگان سیاسی نمی بیند. ایران تریبونال به تفکر و اندیشه و وابستگی سازمانی جان باخته گان زندان کار ندارد. ایران تریبونال مدافع حق حیات انسان ها با هر عقیده و مسلک و علیه جنایت و گلوله های سربی است که به قلب یک به یک جان باخته گان سیاسی شلیک شده است. یکی از دستاوردهای ایران تریبونال ایجاد فضا برای همین پلورالیزم انسانی بوده است. ایران تریبونال، جان باخته گان را به خوب و بد، به چپ و راست، خودی و غیرخودی طبقه بندی نمی کند.

علی دماوندی در یک بیان کوتاه گفت، ایران تریبونال پدیده منحصر بفردی است که تصویری روشن از تاریک ترین دوره تاریخ مردم ما را در گزارشاتی جامع از زبان قربانیان و خانواده های آنان به مردم جهان ارائه کرد. جغرافیای خونین خاوران ها و "کفرآبادها" را به تاریخی ثبت شده تبدیل کرد و پیروزی انسان را با ارائه ادبیات مقاومت و استبداد ستیزی مبارزان اسیر در سیاهچال های حکومت اسلامی، در مقابل زندان و کشتار و شکنجه با گزارشات زنده در تاریخ مستند و ثبت کرد.

گردآوردن همه قربانیان دهه تاریک و خونین از همه گرایش‌های سیاسی، عقیدتی، مذهبی و... در زیر چتر دادخواهی، علیه بیدادی که بر مردم ما رفته است، تاکنون در تاریخ مبارزات مردم ایران سابقه نداشته است. علی‌رغم همه دشمنی‌ها و مخالفین دادخواهی، این حرکت را باید ادامه دهیم. ایران تریبونال، امیدهای فراوان در مردم ما برای دادخواهی و مقابله با رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب سیستماتیک آن ایجاد کرده است.

کارزار ایران تریبونال

چهارشنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ برابر با ۲۲ آذر ۱۳۹۱